

[گفتگو مربوط به سال ۱۳۷۵ است، اما تاریخ دقیق و نام رسانه در دست نیست]

گفتگوی داریوش فروهر با گزارشگر رادیو ...

گزارشگر: سلام، قربان. حال شما خوب باشد ان شاء الله.

این همه‌پرسی، یعنی مراجعه به آرای عمومی، در تاریخ معاصر خیلی از ملت‌های دنیا در مواقع ضروری، مانند بستر جنگ و صلح و تقسیم کشور و ادامه یا خاتمه‌ی حکومت یا ملّی کردن منابع، ابزار قانونی است که ملت‌های دنیا در مواقع بحرانی متوسل به آن می‌شوند. در ایران، آقای داریوش فروهر و شماری از همکاران سیاسی ایشان خواستار همه‌پرسی شدند، حکومت موجود آری یا نه. این درخواست در بیانیه‌ای در سطح تهران منتشر شده و به آگاهی مردم رسیده. از آقای فروهر می‌پرسیم چرا فرمانم را به عنوان یک راه‌حل برای مردم ایران معرفی کردند. ضمناً آقای فروهر، شخصیت ملّی ایرانی، که در تهران زندگی می‌کنند و رهبر حزب ملت ایران‌اند، اخیراً چندین حزب پراکنده را گردآوردند و مهم‌ترین اقدام مشترک اتحاد جدید تحریم انتخابات بود. آقای فروهر، چرا فرمانم، چرا همه‌پرسی؟

داریوش فروهر: همان طور که اشاره کردید، این چهار حزب، که اتحاد حزب‌ها و نیروی ملّی را ساختند، در کنار مجویی از انتخابات نمایشی هم مورد پشتیبانی مردم قرار گرفتند و به‌راستی می‌توان گفت، با فراخوان‌های پی‌درپی که داشتیم، مردم به جمهوری اسلامی نه گفتند. اما این برکسی‌قدرت‌نشستگان به‌سادگی از پافشاری و زمامداری خود دست برنمی‌دارند. به این دلیل، در واپسین اعلامیه، پیش‌شرط‌های ضروری برای یک گزینش ملّی آورده شده است؛ زیرا بن‌بستی که در گردش کارهای کشور پدید آمده هیچ چاره‌ای جز اینکه در یک فضای سیاسی باز با ایمنی قضائی یک گزینش ملّی تازه انجام بگیرد باقی نمی‌گذارد. این موضوع که پیش کشیدید در آن اعلامیه به عنوان «گزینش ملّی» ذکر شده و نیز در زمینه‌ی آن توضیح داده شده که قانون اساسی هم پذیرفته است که در هنگام‌های پراهمیت درباره‌ی موضوع‌هایی که لازم است نظرخواهی از مردم بشود؛ از جمله در مورد بازنگری در قانون اساسی بهترین راه انجام همه‌پرسی است که، با توجه به بحران کنونی کشور، این حزب‌ها خواستار آن شدند.

گزارشگر: آیا شما از مراجع بین‌المللی طلب پشتیبانی کردید؟

داریوش فروهر: به‌طور کلی من هیچ‌گاه نگاه به بیرون نداشته‌ام و امیدوار بوده‌ام که خود مردم ایران می‌توانند سرنوشت خودشان را تعیین کنند؛ ولی خوب هر جایی و هر نهاد فراملّی می‌تواند در یک گزینش ملّی نظراتی داشته باشد. در پاره‌ای از جاها می‌بینیم که این نظردهی‌ها مهر تأیید می‌زنند بر روند یکه‌تازی. به همین دلیل این تردید وجود دارد که این خواست، که سازمان‌های فراملّی در انتخابات یک کشور نظارتی داشته باشند، یک خواست صددرصد اطمینان‌بخش نیست.

گزارشگر: اخیراً دو تن از شخصیت‌های سرشناس ایران را ترک کردند. آقای عباس معروفی به آلمان و آقای عبدالکریم سروش به اردن رفته‌اند و می‌خواهند ویزای آمریکا بگیرند و برای همیشه به آمریکا بروند. این مفهومی نیست که جمهوری اسلامی درها را باز کرده تا روشنفکرها از کشور خارج شوند؟

داریوش فروهر: در مورد آقای معروفی، آن چنان که از گفتار خودشان شنیدیم، ایشان در کشور احساس ایمنی نمی‌کردند و توسط انجمن قلم در آلمان و شاید کمک نماینده‌ی کمیسیون حقوق بشر در ایران، آقای کپتورن،

توانسته‌اند کشور را ترک کنند و بیرون بروند. آقای سروش هم آن بخش که در انگلستان بودند و سخنرانی داشتند را می‌دانم، ولی اینکه از اردن خواسته باشند ویزا بگیرند و برای همیشه کشور را ترک کنند من خبر درستی ندارم. به هر حال، وضع ایران بسیار نابهنجار است و، بر خلاف آنچه تبلیغ می‌شود که بسیار کسان به درون برمی‌گردند، همچنان سیل درخواست برای ترک کردن کشور وجود دارد. خوب، شاید جمهوری اسلامی بدش نمی‌آید که از دردهای راحتی باشد؛ ولی من اعتقاد دارم که مردم باید در میهنشان بایستند و ایستادگی کنند و کسانی باید ایران را ترک کنند که به ایران و انقلاب از پشت خنجر زدند، نه کسانی که به‌راستی میهنشان را اگر ترک کنند در جای دیگر هویت درستی ندارند.

گزارشگر: شما، اگر احساس عدم ایمنی بکنید، ایران را ترک می‌کنید یا می‌مانید؟
داریوش فروهر: من احساس عدم ایمنی را پس از بیراهه کشیدن انقلاب در یکسال و نیم پنهان بودن و نزدیک به شش ماه زندان بودن و تا کنون چشیده‌ام؛ ولی هرگز تصمیم نداشته‌ام ایران را برای همیشه ترک کنم. می‌دانید که من چند سفر و بیشتر برای درمان به بیرون از ایران آمده‌ام؛ ولی من ایستاده‌ام که در همین جا یا در بازگشت آزادی به مردم اثر بگذارم یا در همین جا در درون این سرزمین به خاک سپرده شوم.
گزارشگر: آقای فروهر، بعد از این انتخابات اخیر و این جابه‌جایی جناح‌ها در ایران، اوضاع برای فعالیت‌های سیاسی مساعد شده یا بدتر شده؟

داریوش فروهر: من از آغاز به این جابه‌جایی سیاسی اعتقاد نداشتم. ویژگی انحصارگری این است که دایره را تنگتر کند و هم‌اوردش را از صحنه به‌درکند؛ ولی این به‌راستی یک درگیری بنیادی نیست و هرگز هم گمان نمی‌کردم که مردم با خوش‌بینی بنگرند. من احساس نمی‌کنم که با این جنگ زرگری فضای بهتری برای کار سیاسی پدید آمده باشد. فضای باز را با پافشاری و ایستادگی و کوشش باید پدید آورد.

گزارشگر: گروه‌های کار سیاسی حزب شما و حزب‌های متحد ... [بخشی از پرسش نامفهوم است] درباره‌ی آن‌ها چی می‌گویند و پیش‌بینی آن‌ها چیست؟

داریوش فروهر: دیدگاه‌ها بر این پایه استوار است که وظیفه‌ی ملّی ما ایجاب می‌کند که پافشارانه آزادی‌هایی که برای رهایی از بن‌بست کشور ضروری است بخواهیم و پیداست که این پافشاری با دگرگشتی در شیوه‌ی عمل است. ماه پیش هم که صحبت کردم، گفتم. پرسش این بود که آیا شیوه‌ی مبارزه را عوض می‌کنید، گفتم نه، هنوز همان شیوه‌های یک‌گذار آرام است، مانند تحسن، اعتصاب، گردهمایی، راهپیمایی، و به‌طور خلاصه پافشاری در پسراندن جمهوری اسلامی، که این را هنوز تجربه نکرده‌ایم. اگر این تجربه به جایی نرسد، من و یا هر سیاستگر دیگری هم نخواهد، به‌ناچار شیوه‌های دیگری پیش کشیده خواهد شد.

گزارشگر: با توجه به تجربیات خود پیرامون مقایسه‌ی جمهوری اسلامی از جهت اقتصادی، مقایسه‌ای بین وضع سال گذشته و امسال را توضیح دهید.

داریوش فروهر: به‌نظر من می‌رسد که وضع اقتصادی مردم روزبه‌روز بدتر می‌شود. تمام آوازه‌گری‌های به‌عنوان سازندگی، به‌عنوان کارهای بنیادی - همه میان‌تهی است و برنامه‌ی نخست توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشور با شکست قطعی روبه‌رو شده. این برنامه‌ی دوم جز افزودن بحران هیچ هنری نداشته است. در سال گذشته، تنها شصت درصد بر تورم و گرانی افزوده شده و به‌راستی یک تورم مهارگسیخته است و هیچ نشانه‌ای هم دیده نمی‌شود که دست‌اندرکاران بتوانند آن را کنترل کنند؛ و اگر این وام‌ها که پدید آورده‌اند و مردم ایران را تا

گلوگاه زیر قرض برده‌اند در جای خودش سرمایه‌گذاری شده بود دست‌کم در نیمه‌ی دوم برنامه‌ی نخست نتایج آن آشکار می‌گشت که اکنون پنج سال از برنامه‌ی نخست و دو سال از برنامه‌ی دوم گذشته و روزبه‌روز بدتر شده است. ولی جلوی آوازه‌گری‌ها را نمی‌توان گرفت و این خوی سردمداران جمهوری اسلامی است که خیلی آشکار در موضوع‌هایی که مردم به طور روزمره لمس می‌کنند دروغ بگویند.

گزارشگر: از خودمان سؤال کنم، ایرانیان خارج از کشور چه کار باید بکنند؟

داریوش فروهر: من فکر می‌کنم که، دست‌کم در برچیدن بساط یکه‌تازی و برقراری مردم‌سالاری، ایرانیان بیرون از کشور جهتی ندارد که نتوانند که باهم هم‌داستان شوند، جهتی ندارد که نتوانند بر فضای سنگینی که بر هم‌میهنانشان تحمیل شده است نتوانند اثر بگذارند؛ باید بدون شک تحمل یکدیگر را داشته باشند و بدون شک فداکاری کنند و هر کس نخواهد بر حرف خودش به هر بهایی شده، ولو به بهای ایران در بدترین مقطع‌ها، پافشاری کند؛ باید که به هم نزدیک بشوند و از خیزش‌های درون کشور صمیمانه پشتیبانی کنند.

گزارشگر: در جلسه‌هایی که دارید با دوستان خود و شخصیت‌هایی که با شما معاشرت دارند، قضاوت آن‌ها

درباره‌ی ایرانیان خارج از کشور، به‌خصوص لس آنجلس، چیست؟

داریوش فروهر: من یکی دو بار هم گفته‌ام که بهترین مغزهای ایرانی اکنون در بیرون از کشور هستند. ممکن است درصد بسیار کمی را بگوییم که رابطه‌ی تنگاتنگی داشتند با نظام گذشته؛ ولی اکنون صحبت یک هجرت بزرگ و کم‌نظیر در تاریخ ایران است، صحبت چندین میلیون آواره است که بیشتر در اندیشه‌ی میهن‌شان هستند و می‌خواهند به درون برگردند. یکی از شرط‌هایی که برای فردای فضای سیاسی باز، که در آن اعلامیه‌ی واپسین نیروهای ملّی زکر شده بود، که باید به تمامی ایرانیان کوچ‌کرده از کشور تضمین داد که با آسانی به ایران برگردند و در رقم زدن سرنوشت ملّی در کنار دیگر ایرانیان باشند؛ و من فکر می‌کنم هر میهن‌پرستی چنین فکر می‌کند.